دافغانستان ځوریدلی خلك ډوډۍ، کالی، کور، معارف، کار، آزادی اوصلح غواړی

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نهم سال‌دوم دوشنبه ۲۹ثور۴۸–۱۹می ۶۹ ،شماره مسلسل ۶۱

شرکت متحدانه و باوقار تمام محصلان

پوهنتون کابل وشاگردان لیسه‌های مرکز در تشییع جنازه

یك شاگرد وطنپرست نمونهٔ الهامبخشیست از اتحاد درراه پیروزی خلق افغانستان

حادثهٔ المناك فقدان یك‌شاگرد جوان وطنپرست بار دیگر نشان داد که بپیوسته توطئهٔ فتنه انگیزی برضد رشد آزادی و دموکراسی در جریان است و نیروهای ارتجاعی حاضر نیستند به سهولت از موضع خود عقب‌نشینی کنند ودست از دفاع منافع خود بردارند. شبکه های فتنه گر ارتجاع داخلی و خارجی (انتقامجویان سی. آی. ای)، منحیث المجموع در داخل و خارج دستگاه اداری دولت افغانستان همیشه مترصد آنند تا از هر موج کوچك نهضت سوء استفاده کنندو تحریکاتی را بغرض سرکوب نهضت بوجود آورند وزمینه تعرض متقابل ارتجاع را آماده سازند.

این حادثهٔ تراژیك از یکسو بار دیگر بمثابه «اخطار» برای همه نیروهای ملی و دموکراتیك، مترقی ووطنپرست افغانستان میباشد واز سوی دیگر اتحاد و همبستگی پرمعنائیکه محصلان عملا در تشییع وتکریم این جنازه افاده کردند، یکبار دیگر نشان داد که جوانان ما باوجود مخالفت های ایدئولوژیك وتباین فکری قادرند هنگام بروز حوادث مهم تمام‌مناقشات ومخالفت‌های ذات‌البینی خودرا کنار گذاشته، بخاطر صیانت شرافت و آزادی، طبق خصایل ملی افغانی‌دست‌بدست‌یکدیگر را فشار دهند و بصورت متحدانه عمل نمایند. شیوهٔ متین، پرشکوه وپخته جوش جوانان محصل در تجلیل وتشییع این جنازه امیدهای پژمردهٔ منورین وطنپرست را احیاء وانتظارات شوم دشمنان خلق را به نومیدی کشانید. محصلانیکه تا دیروز بر اساس تباین ایدئولوژی وفکری‌سرسختانه علیه‌یکدیگرمبارزه میکردند، چون‌ذرات یك وجود بهم چسپیده بودند وگویا بانگاهان و خطوط چهره باهم مفاهمه میکردند و تامغز استخوان یکدیگر را درك می‌نمودند.

بروز پنجشنبه (۲۵ ثور) تمام محصلان وطنپرست پوهنتون کابل بعد از مشاهده میت شاگرد جوانی درعرصهٔ پوهنتون، فوراً اعلان همبستگی و اتحاد کردند وعلی رغم مقاومت پولیس وژاندارم دستگاه، تصمیم قهرمانانه گرفتند تا مراسم باشکوه جنازهٔ همصف خود را برگزار سازند. این تصمیم شریفانه وافغانی بیش از ده هزار محصل و شاگرد، ارتجاع را وادار به‌عقب‌نشینی ساخت وباوقار و جلال بیمانندی جنازهٔ گلپوش و گلگون شاگردجوان مظلوم را طی‌راه‌طولانی، ازپوهنتون کابل تا مسجد عیدگاه، مشایعت کردند. در عرض راه هزاران نفر از اهالی شهر کابل در اطراف جاده‌ها برسبیل احترام‌صف کشیده وبا نگاههای غم انگیزوخشم آلود، جنازه و تشییع کنندگان را استقبال میکردند.

فهم مصیبت و احساس درد مشترك به محصلان و شاگردان کشور امکاندادکه عالیترین‌انضباط، همبستگی، هشیاری، همدردی، همکاری وعظیمترین وقار و حمیت افغانی و انسانی را تمثیل نمایند.

کف‌زدنها، شعارها، نعره‌ها و افاده رزمنده جوانان جای‌خودرابیك سوگواری پرحماسه و بیك‌غم خاموش، ولی‌صاحب هزارزبان‌سپرده بود.

محصلان در سایهٔ این حادثه عمیقاً درك نمودند که یکدیگر خودرا بخاطر وطن و آزادی، بخاطرآرمان‌های خلق ستمدیده کشور خود ضرورت دارند، پس باید همدگررا داشته باشند. آنان بر مخالفت ها احاطه کردند و باشکوه و جلال بیمانندی برفقای سخنگوی خود گوش فرا دادند. سخنان الهامبخش جوانان در فضای پر از ابهت باجان همدیگر در آمیخت، اشکها روی چشمها حلقه زد ودلها بخاطرمحبت وخصومت (محبت به خلق ووطن، خصومت به دشمنان خلق ووطن) درتپیدن همنوا شدند.

محصلان بعد از تشییع جنازه تا مسجد عیدگاه وایراد بیانیه های وطنپرستانه محمل میت را به پکتیا فرستادند و چندتن از نمایندگان خودرا بدون تفکیك (نور وسپین) با آن همراه‌کردند، تاهمدردی‌محصلان رابفامیل ومردم آن فقید برسانند.

این حوادث نشان داد که شبکه‌های بسیار خطرناك و سیاهی در دستگاه ادارهٔ حکومت افغانستان تشکل وتمرکز یافته است. این شبکه های مرموز که بصورت مخفیانه و ماهرانه در جهت مخالف منافع مردم افغانستان عمل میکنند، کوششهای خودرا در چهار سال گذشته بیشتر از پیشتر متوجه جلوگیری از رشددموکراسی وآزادی در کشور، تفتین درمیان گروههای مترقی ووطنپرست، پخش‌افواهات واتهامات علیه نهضت رهائی بخش کنونی در کشور، ایجاد اختناق و ترور وبدنام ساختن‌محصلان‌وجوانان مبارز ساخته‌اند. این شبکه ها تلاش دارند تا دستگاه حاکمه را هرچه زودتر ومصمم تر علیه نهضت نجاتبخش کنونی‌روشنفکران کشور، علیه وحدت وهمبستگی حلقه های مترقی جوانان، علیه منافع ملی و وحدت افغانستان وبالاخره نهضت محصلان وشاگردان، این فرزندان آگاه وطن، بسیج‌کنند وسوق دهند وآنرا بیشتر و بیشتر در استبداد خانمانسوز تشویق و تحریك‌نمایند.

حادثه خونین ۳ عقرب ۱۳۴۴، توطئه ترور علیه اعضاء فرکسیون دموکراتیك خلق افغانستان (۸قوس سال ۱۳۴۵) دروولسی جرگه، سرکوب اعتصابات‌مسالمت‌آمیزوقانونی کارگران، زندانی کردن، جریمه

(ص۴)

دشوری ددیارلسمی انتخاباتی

دوری په مبارزه کی دائتلافی جبهی لپاره

دمشترك پلاتفرم طرح

دافغانستان دخلك دموکراتیك‌جریان، دپرچم په تیرو دوو گڼو کی په (پښتو او دری ژبو) په انتخاباتی مبارزه کی دائتلافی جبهی دتشکیل دضرورت په نسبت یوه‌اعلامیه صادره کړه.

ددی لپاره چه «ائتلافی جبهه» دفوری او مشترك عمل له پلاتفرم‌څخه پرته بی‌محتوی ده، دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان‌له خپلی‌وعدی سره سم تصمیم ونیو چه‌دائتلافی جبهی لپاره، دشوری ددیارلسمی انتخاباتی دوری په‌مبارزه کی د ګډ پلاتفرم شعارونه‌طرح کړی.

دافغانستان دخلك دموکراتیك‌جریان عقیده لری چه دا ګډ پلاتفورم‌کولی شی دوطن د ټولو افرادو ډلو، سازمانونو، او دملی‌دموکراتیکو، ترقی غوښتونکو اووطنپالونکو قوتونو ټول مشترك وجوه احتوا کړی. خو سره له دی‌که چیری نوموړی عناصر تکمیلی‌اویا تعدیل شوی طرحی ولری، دافغانستان دخلك‌دموکراتیك جریان‌حاضر دی چه په دموکراتیکه توگه‌دافغانی دود سره سم پر یو میز باندی له دوی سره مفاهمه وکړی‌تر څو د ډله ایز تصمیم پر اساس‌په‌انتخاباتی مبارزه کی دګډ پلاتفرم او ائتلافی‌جبهی په نسبت‌یوفیصله‌لیك صادر کاندی.

دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان معتقد دی چه هغه کلی شعارونه کوم چه په اوسنی اوضاع او احوال کی دشوری ددیارلسمی دوری په انتخاباتی مبارزه کی‌دټولو افرادو، محافلو، ډلو، سازمانونو اوملی، دموکراتیکو، ترقی‌غوښتونکو او وطنپرستو قوتونو لپاره‌کولای شی‌دیوراز عملی او مشترکی جاری مشی په حیث دائتلافی جبهی‌داتحاد عمل او مشترك پلاتفرم داساس‌په عنوان، طرح شی عبارت دی‌دلاندنیو مبرمو وظایفو له اجرا څخه:

– ددموکراسی داستقرار او په اساسی قانون کی دټولو مصرحه آزادیو دتطبیق په لاره کی مبارزه اوله هغی‌جملی‌نه: دملی، دموکراتیکو او ترقی غوښتونکوگوندونو او‌نورو صنفی دموکراتیکو او سندیکایی سازمانونو دتشکیل او آزاد فعالیت په لاره کی مبارزه اعم له کارگرانو، بزگرانو، محصلانو، معلمانو، روښنفکرانو، کسبگرو، ددولتی‌او خصوصی موسسو مامورانو او مستخدمانو؛

– دمطبوعاتو دتعمیم او آزادی، دبیان او ویناد آزادی، دتظاهراتو اعتصاباتو او ټولنو او نورو‌آزادی‌په لاره کی مبارزه؛

– دخودسرانه او غیر قانونی‌تبعید، توقیف، حبس او له کارنه داخراج پرضد مبارزه؛

– په اساسی قانون کی‌دمصرحه آزادیو ضد قوانینو اوضددموکراتیکو قوانینو دلغو په لاره کی مبارزه او دافغانستان دخلکو په‌ګټه‌دکارگرانو، بزگرانو، کسبگرو او نورو دموکراتیکو طبقاتو او قشرونولپاره ددموکراتیکو قوانینو وضع کول او دهغوی دسیاسی او اجتماعی حقوقو او آزادیو دفاع؛

– دښاروالیو، ولایتی جرگو او کلیو جرگو ددموکراتیك تشکیل په لاره کی مبارزه او بی‌له هر راز تبعیض څخه دافغانستان د ټولو قومونو او خلکو دثقافتی اوسیاسی حقوقو تامین؛

– دښځو داجتماعی او سیاسی حقوقو دتامین په لاره کی‌مبارزه؛

– دکوچیانو او دقبایلو دمسئلی دد موکراتیك حل په لاره کی مبارزه؛

– دادارى، اقتصادی، مالی، تجارتی، قضایی، ثقافتی او نورو دستگاهو ددموکراتیکو اصلاحاتو په لاره کی مبارزه؛

– دمتوازن (ملی اومترقی) معارف او صحت دتعمیم په لاره کی‌مبارزه؛

– دبیکاری، بیگار، فقر او بیسوادی پر ضد مبارزه؛

– دارضی مسئلی دحل‌په لاره‌کی

(۴مخ)

سلطان علی (کشتمند)

اتحادیه محصلان افغانستان

باید به‌اشتراك توده‌وسیع محصلان تشکیل گردد!

درین روز ها یکبار دیگر مسأله تاسیس اتحادیهٔ محصلان در پوهنتون کابل مطرح بحث قرار گرفته است. قابل تذکر است که قبلا مسایل مربوط به جنبش محصلان و ضرورت تأسیس‌اتحادیه محصلان طی چندین مقاله بطور تحلیلی در پرچم طرح گردیده است. بطور مثال: در مقالهٔ منتشره در شماره هفدهم(سال ۱۳۴۷) پرچم ضمن تحلیل این موضوع که «نهضت محصلان افغانستان در برابر چه وظایفی قرار دارد؟» لزوم تشکیل سازمان محصلان بمثابه سلاح مؤثر مبارزه ووظیفه مبرم محصلان درین مرحله جنبش نشان داده شده‌است.

در شمارهٔ سی و یکم سال‌گذشته پرچم ضمن‌کرتیك «قانون‌پوهنتونها» (که بعداً این قانون در اثرمبارزات پیگیر و متحدانه محصلان‌وشاگردان و پشتیبانی نیرو های دموکراتیك وملی کشور، لغو گردید) به‌محصلان کشور هوشیار باش داده شده است که ارتجاع از اتحاد ووحدت عمل محصلان در هراس است و تلاش مینماید که بوسایل مختلف نفاق و تفرقه را در میان آنها ایجاد کند، بدینجهت بحیث یك ضرورت قاطع از ایشان درخواست گردیده که دست اتحاد بهم دهند و «سازمان مبارزه صنفی خویش را تشکیل دهند تا بدینوسیله بتوانند متینگها، کنفرانسها، دیمونستراسیونها، تبادل نظرها، مباحثات علمی، اجتماعی و سیاسی خویش‌را بخاطر دفاع‌ازحقوق صنفی وآزادی‌های دموکراتیك، استقلال‌پوهنتون و آزادی علم ودانش و تدریس بروی نظم، صمیمیت، رفاقت و اتحاد عمل بر قرار سازند».

در تحلیل «مسایل جنبش محصلان کشور ما» منتشره‌درشماره سی وپنجم سال اول پرچم(۱۳۴۷) اینموضوع بخصوص بطور مبسوط ومشخص طرح گردیده و همزمان بادامهٔ جنبش (۲۴ روزهٔ)محصلان وشاگردان بخاطر لغو قوانین پوهنتونها و معارف ضمن‌ارزیابی دقیق ازین جنبش، اهمیت اتحاد وهمبستگی بمثابه شرط عمده و ضامن کامیابی نهضت محصلان وعمده ترین و ضروری ترین‌وسیله اتحاد در شرایط کنونی تشکیل سازمان دموکراتیك محصلان (اتحادیه محصلان) نشان داده شده ومسایل کلی مربوط به تشکیل ووظایف اتحادیه محصلان ارائه گردیده‌است.

معهذا محصلان کشور تا کنون موفق نگردیده اند که با وصف طرح مکرر مسأله، بنابر نفوذ ذهنیت های ارتجاعی وانحرافی وتمایلات ماجراجو یانه وانقلابی‌نمائی درمیان یك عده از جوانان محصل، اتحادیهٔ خویش را تشکیل دهند. حال که بار دیگر این‌مسأله در میان محصلان بطور جدی تری در پوهنتون کابل طرح گردیده است و حتی نمایندگان خود را برای تشکیل اتحادیه انتخاب کرده اند، وظیفهٔ خویش میشماریم که بمنظور شناخت ماهیت و خصلت سازمان محصلان، به اختصار کامل این مسأله را باز هم مطرح بحث قرار دهیم.

* * *

در شرایط کنونی کشور ما اکثریت عمدهٔ محصلان را فرزندان متعلق به خانواده های مرفه و متوسط الحال، (مالك، سرمایه دار و خرده بورژوا) تشکیل میدهد. ولی عملا فرصت تحصیل بسوی پوهنتون برای عدهٔ قابل ملاحظه‌ئی از فرزندان زحمتکشان کشور میسر نیست. بهمه حال محصلان چون ازمیان طبقات مختلف‌اجتماعی بر میخیزند، بنا بر این نمیتوانند طبقه واحد و معینی را تشکیل‌دهند، ولی منحیث المجموع یك قشر اجتماعی را تشکیل میدهند که بنابر وضع مشابه خود بحیث محصل، صرف نظر از تعلقات طبقاتی خود منافع مشترك معینی دارند واز لحاظ مشغله صنف معینی در ردیف اصناف مختلف جامعه بشمار میآیند. بدینجهت سازمان محصلان (اتحادیه محصلان) نیز ماهیتاً نه یکسازمان طبقاتی بوده میتواند و نه یك سازمان سیاسی، بلکه از نظر ماهیت سازمانیست صنفی و متعلق به‌همهٔ محصلان. اما این امر به هیچوجه بمعنی آن نیست که محصلان و قتیکه به سازمان خود پیوستند، حق‌اشتراك در مسایل سیاسی را ندارند و یا اتحادیه محصلان فقط به مبارزات صنفی اکتفا مینماید. اما منظور اینست که سازمان محصلان قبل از همه مدافع حقوق و منافع صنفی وسیاسی معین صنف خود میباشد. چون اتحادیه نمیتواند تمام خواستهای سیاسی محصلان را بر آورده سازد، بهمین جهت آنهابه عضویت سازمانهای سیاسی و احزاب در میآیند. از آنجائیکه محصلان هم محصل و هم عضو جامعه‌اند، لذاحق‌دارند که بمبارزه صنفی در سازمان خود به پر دازند وهم در مبارزات سیاسی اشتراك ورزند. همچنان سازمان محصلان حق دارد که بمبارزه صنفی‌وسیاسی به پردازد. اتحادیه محصلان وظیفه دارد که این دو نوع مبارزه را بطور صحیح تلفیق نماید واز محدود شدن فعالیتهای آن از یك جانب صرف بمبارزه صنفی واز جانب‌دیگر از تبدیل آن به یکسازمان سیاسی محض جلو گیری کند.

اینکه اتحادیه محصلان تا کدام حدود در مسایل سیاسی، درجنبش دموکراتیك و ملی کشور سهم گرفته میتواند بسته به خصلت

(ص۳)

اعتراض علیه توقیف‌های

خود سرانه و غیر قانونی

قرار اطلاع از آغاز اعتصابات وتظاهرات شاگردان لیسه نجات بر ضد فرهنگ استعماری و تظاهرات‌فارغ التحصیلان لیسه های کشور بر ضد نتایج غیر عادلانه کانکور، تظاهرات‌همبستگی‌محصلان‌پوهنتون وشاگردان لیسه های‌مرکز باتظاهرات‌ضد کانکور بشمول حوادث اسف انگیز اخیر ښوونځی ابن‌سینا، عده‌قابل ملاحظه ئی‌ازشاگردان‌ومحصلان بطور غیر قانونی وخود سرانه‌توقیف‌گردیده اند. گرچه طبق اطلاع چند نفر از شاگردان و طنپرست لیسه‌غازی، نجات وحبیبیه آزاد گردیدند ولی عده زیادی از شاگردان هنوزخلاف قانون درتوقیف بسرمی‌برند. جریان دموکراتیك خلق افغانستان درحالیکه اعتراض خود را علیه این نوع اعمال ضدقانونی وخود سرانه‌اعلام میدارد، رهائی‌هرچه زود تر تمام شاگردان ومحصلان زندانی‌رامطالبه میکند.

روزنه امید برای تأمین صلح

در ویتنام

جبههٔ آزادی ملی ویتنام جنوبی باپیشنهاد ده فقره ای جدید خود کنفرانس صلح پاریس را از رکود طولانی بیرون کرد و راه رابرای پیشرفت آن بازنمود. نکات عمده پیشنهاد جبههٔ آزادی ملی که مورد تائید همه محافل ونیرو های صلح‌دوست جهان واقع گردیده، قرار ذیل است:

— تضمین حق استقلال، حاکمیت، وحدت و تمامیت ارضی برای مردم ویتنام؛

— چگونگی بیرون‌کشیدن‌عساکر امریکائی ازویتنام؛

(ص۴)

پیروزی بزرگ اتحادشوروی

در تسخیر فضا

وینوس پنجم ووینوس ششم در انجام یك سفرچهارماههٔ‌کیهانی، بعد ازطی مسافت ۳۵۰ ملیون کیلو متر یکی بعد دیگری بصورت موفقانه و آرام برسطح سیارهٔ زهره فرود آمدند.

قرار معلوم وینوس های ۵ و ۶ معلومات مفصلی راجع به درجهٔ حرارت واوضاع جوی زهره بزمین مخابره کرده است.

ما این پیروزی بزرگ سیانس شوروی را، بحیث پیروزی تمام بشریت در امر تسخیر کیهان به‌نفع صلح‌وترقی انسان، تبریك میگوییم.

پرچم

دافغانستان دخلك دموکراتیك افکارو خپرونکی

۲۹ثور ۱۳۴۸

جمهوریت سوسیالستی

چکوسلواکیا بیست وچهارمین سال

آزادی خود را جشن گرفت

روز نهم ماه می مصادف بابیست‌وچهارمین سال شکست فاشیزم آلمان، پیروزی‌نیروهای اتحادشوروی‌بر قوای آلمان هتلری و آزادی چکوسلواکیا از تسلط نازیها بود. زعمای کشور های اتحاد شوروی و چکوسلواکیا طی تلگرامهای‌تبریکیه‌ئی این روز را بهمدیگر تبریك گفتند.

رهبران اتحاد شوروی طی پیامی‌به گوستاو هوساك منشی اول حزب کمونست چکوسلواکیا، لودویك سوبودا رئیس‌جمهور و اولدریك چیرنیك صدراعظم آن‌کشور ابراز داشتند:

«مردم اتحاد شوروی دربارهٔ‌خلق کارگر جمهوری سوسیالستی چکوسلواکیا احساسات عمیق‌دوستی‌ورفاقت دارند. سنن این دوستی‌که با خون ریختانده شده در محاربات‌پرورش یافته، درنزد هرفردشوروی گرامی میباشد. مامعتقدیم‌که دسایس‌نیروهای ارتجاعی نمیتوانند این دوستی راکه برای سرنوشت خلقهاودولتهای ما اهمیت تاریخی دارد، تخریب کنند....»

هکذا زعمای چکوسلواکیا طی‌تلگرامی به حزب، حکومت و مردم اتحاد شوروی بمناسبت بیست وچهارمین سال‌غلبه قوای‌اتحادشوروی بر نیروهای فاشیزم هتلری اظهارداشتند: «مامصمم استیم که برطبق منافع مردم چکوسلواکیا دوستی‌واتحاد عنعنوی‌بین‌مردم چکوسلواکیا واتحاد شوروی را، دوستی ایکه‌درمبارزه علیه دشمن مشترك استوار گردیده ادامه و انکشاف دهیم.ما می‌خواهیم از طریق تقویه‌وتوسعه مزید همکاری همه جانبه در تمام‌ساحات حیات سیاسی، اقتصادی وفرهنگی براساس‌اصول مارکسیزم‌ـلنینزم و انترناسیونالیزم پرولتری سهم خودرا در تقویه ورشد موفقیت‌آمیز سوسیالیزم وتحکیم و حدت سیستم سوسیالستی ایفا کنیم.»

«حزب کمونست چکوسلواکیا که‌بعد از جلسه اپریل کمیته مرکزی راه استقرار حیات در کشور، تقویه‌نقش رهبری کننده خود وشدت بخشیدن مبارزه علیه تمام نیرو های‌ضد سوسیالستی را در پیش‌گرفته است، همکاری رفیقانهٔ خودرا باحزب‌کمونست اتحاد شوروی و دیگر احزاب برادر به نفع به همفشردگی‌ووحدت تمام جنبش بین المللی کمونستی تقویت خواهد بخشید.»

رئیس جمهور چکوسلواکیادربیانیه خود به مناسبت بیست و چهارمین سال آزادی چکوسلواکیاگفت: نمیتوان از این حقیقت انکار کرد که اتحاد شوروی مارا از تسلط فاشیزم هتلری نجات داد. اتحاد شوروی درمدت۲۴ سال‌گذشته‌کمك های‌بزرگی‌برای ترقی‌وپیشرفت ما نموده‌است.همکاری‌بااتحادشوروی‌باعث ترقی و پیشرفت وآرامی چکوسلواکیا می‌شود،اگر این‌همکاری‌به سکتگی مواجه شود، بضرر مردم چکوسلواکیا می‌انجامد. قرار معلوم‌زعمای چکوسلواکی بمرکز قوای شوروی رفتند، لودویك سوبوداطی بیانیه ئی دریك اجتماع اظهار داشت: «... ماهمه میدانیم که بدون‌روابط نزدیك و همکاری نزدیك بااتحاد شوروی تخیل رشد بیشترسوسیالیزم درچکوسلواکیاحتی‌امکان پذیر نیست ...» سوبودا مزیداًاظهار داشت: «من کشور خودرا می‌شناسم وهمچنان من اتحادشوروی‌را می‌شناسم وواضحاً همین‌چیزیست که مرا به آینده خوشبین می‌سازد...مامنافع مشترك و اهداف مشترك داریم. مانند زمان جنگ دوم جهان‌حالا نیز ما دشمن مشترك داریم. ما می‌دانیم که تنها نیروی شکست‌ناپذیر کشور های سوسیالستی‌است که میتواند متعرض را بجایش‌بنشاند ...»

در شرق میانه

— روزنامهٔ پراودا می نویسد: جمهوریت عربی متحد با تلاش‌پیگیر می کوشد تایك سیاست صلحجویانه در دومنطقه خاورمیانه بر قرارسازد. مگر این پیشنهاد و تلاشها از جانب تجاوز کاران اسرائیلی خنثی‌میشود، ما سیاست جمهوریت متحد عربی را مورد ستایش قرار میدهیم.

پراودا سخنرانی جمال‌عبدالناصر را در روز اول ماه‌می نشر نموده و می نویسد: اگر اسرائیل فیصله‌نامه های شورای امنیت را در بارهٔ شرق میانه تطبیق‌نماید، صلح درین منطقه بر قرار می شود واین واقعاً یك خواست معقول است.

— روز نامهٔ نیو یارك تایمز می‌نویسد: اسرائیلیها در مناطق اشغالی به اعمال غیر انسانی دست می زنند، بالای اعراب ظلم می‌کنند وهیچ فیصله بین المللی را قبول نمی نمایند، منازل اعراب را ویران می کنند و صاحبان آنرا از منازل شان اخراج می نمایند. برای اعراب (۴۸) ساعت وقت داده می‌شود که خانه های خودرا ترك کنند بعداً منازل آنان ویران واز بین برده می‌شود.

— بین حکومت لبنان و سران جبههٔ نهضت آزادی فلسطین‌موافقه شد که مبارزین موسسهٔ فلسطین طبق موافقهٔ قبلی در سر حد لبنان به فعالیتهای پارتیزانی خود ادامه دهند.

— وزیر خارجهٔ المان دموکراتیك (آلمان شرق) برای بازدید حسن‌نیت‌وارد بغداد شد واز جانب وزیر خارجهٔ عراق از او استقبال رسمی به عمل آمد. وزیر خارجه آلمان دموکراتیك‌در بغداد طی بیانیه ئی گفت: المان دموکراتیك‌وجمهوریت عراق حالا همکاریهای صمیمانه رابه راه می اندازند، این همکاری به اساس سیاست مسالمت آمیز برای تامین صلح، استقلال ملی ورشد دوستی همه جانبه بین مردمان اعراب وآلمان می باشد.

عادی شدن وضع بین دو کشور امکانات وسیع برای همکاری‌اقتصادی فرهنگی و غیره‌را بوجودآورده است.

دکندهار او مزار شریف په ښارونو کښی

دمی‌لومړی ورځ ونمانځل شوه

د کندهار او مزار شریف په ښارونو کښی دکارگرانو او زده کوونکو له خوا د می لومړی ورځ د کارگرانو بین المللی ورځ، ولمانځل شوه.

د کندهار په ښار کښی د می دلومړی ورځی په مناسبت د سهار له ۶٫۵ بجو څخه تر ۱۲٫۵ بجو پوری مظاهره وشوه.

تظاهرات معلمان وشاگردان

لیسه های باختر وامیر شیر علیخان

ودارالمعلمین های ولایت بلخ

شاگردان لیسه باختر مزار شریف بروز(۱۳) ثور در صحن لیسه اجتماعی ترتیب داده، ضمن توضیح حرکات واعمال خلاف قانون مدیر لیسهٔ باختر، خواستند تا هر چه زود تر مدیر مذکور عزل و اجراآت خلاف قانونی وی مورد باز پرس جدی قرار گیرد.

ولی مقام ولایت بلخ با خشم و غیظ خلاف انتظاری، در صحن لیسه بوسیلهٔ افراد پولیس وژاندارم شاگردان معصوم را زیر لت وکوب گرفت و علاوه بر آن یکتن از معلمان نجیب لیسه (شاغلی محمد شریف) را در محضر شاگردان، مدیر و معاون لیسه «چهار بر دار» کرده، بشکل بیرحمانه و تحقیر آمیزی مورد ضرب و شتم قرار داد و همچنان یکی از مفتشین شریف لیسه را نیز بدون حکم قانون به زندان فرستاد.

این اقدام تحریك آمیز، به تظاهرات خیابانی روز (۱۶)ثور منجر شد. این مظاهره به اشتراك معلمان وشاگردان‌لیسه امیر شیرعلیخان، دارالمعلمین‌ها، سایرمکاتب و با پشتیبانی بیدریغ‌هزاران نفر اهالی شهر بر گزارشد وبه کمال نظم و دسپلین در جاده های شهر بحرکت افتاد. تظاهر کنندگان ضمن متینگهائی که در نقاط مختلف شهر تشکیل دادند، از حقوق و بر ستیژ معلمان شریف و وطنپرست جدا دفاع نمودند و بر خورد تحریك آمیز و ضد کرامت بشری مقام ولایت وحملات بیرحمانهٔ پولیس و ژاندارم را به شاگردان بیگناه محکوم کردند.

این تظاهرات بروز (۱۷) ثور بعد از آنکه مقام ولایت بر آورده شدن مطالبات شاگردان را وعده داد و شخص والی از معلمی که مورد لت وکوب و توهین قرار گرفته بودمعذرت خواست، بصورت موفقانه بپایان رسید.

اعتصاب (۲۰) روزهٔ شاگردان

دارالمعلمین هرات

بالاخره اعتصاب (۲۰) روزهٔ شاگردان دارالمعلمین هرات موفقانه خاتمه یافت.

هدف این اعتصاب را که ازتاریخ (۱۸حمل) آغاز شده بود، تامین خواستهای صنفی ذیل تشکیل میداد:

— تاسیس‌یك دارالمعلمین عالی در هرات وایجاد زمینه مساعد برای سیر علمی شاگردان.

— تهیه کتب و مواد تدریسی، تکمیل کمبود معلم که به (۱۴) نفر میرسد، تهیه آب آشامیدنی‌صحی و چپرکتهای جدید بجای چپرکتهای فرسوده موجود که هر آن سقوط منازل بالایی آن حیات شاگردانی را که درمنزل زیر آن می خوابند بمرگ تهدید میکند، اعمار یك آشپز خانه صحی متناسب بضرورت طبخ غذا برای لااقل(۷۵۰) نفر، تهیه یك میدان سپورت، لود سپیکر و مکرافون وستیژ کنفرانسها، وهمچنان محل ووسایل تفریح شاگردان.

این اعتصاب علی رغم اخلالگریهای ماجرا جویان و تفتین مرتجعان‌که در جریان اعتصاب پرده از چهره های عوامفریبانه ایشان بر افتاد، بروز (۶)ثور ۱۳۴۷پیروزمندانه پایان یافت، زیرامدیر معارف به اعتصاب کنندگان وعده داد که‌درموردتاسیس دارالمعلمین عالی در هرات و سیر علمی شاگردان هر چه زود تر با مقامات مسئول وزارت معارف داخل مفاهمه می شود وسایر خواستهای آنانرا بزود ترین فرصت بر آورده می سازد.

بدینترتیب شاگردان‌به اعتصاب (۲۰) روزه خود خاتمه داده وعملی شدن وعده های مقامات معارف را شدیداًخواستارند.

اعتصاب شاگردان درولسوالی

قرقین

شاگردان صنف ششم ښوونځی ابتدائی قرقین علیه روش نا درست سر معلم ښوونځی بتاریخ (۳) ثور دست به اعتصاب زدند.

شاگردان میگویند، ما با بودن این سر معلم که مخالف کرامت بشری، ما و اولیای ما را با کلمات رکیك و تحقیر کننده توهین مینماید و عمداً نفاق ملی را دامن میزند، موافقت نداریم. در یاد داشت شاگردان گفته می شود: باید در مکتب ما یك سر معلم دیگر که بحیثیت و کرامت انسانی شاگردان احترام گذارد مقرر شود.

از (ص اول)

روزنه امید برای تأمین صلح...

— قطع مخاصمت‌ها و تشکیل یك‌حکومت ائتلافی مرکب‌ازنمایندگان تمام نیروها و اقشار مردم. این حکومت بدون امتیاز متکی به تمام نیروها وگروپ‌ها خواهد بود. تمام رهبرانیکه از صلح، استقلال و بی‌طرفی ویتنام‌حمایت میکنند، قطع نظر از تمایلات سیاسی و سوابق شان، میتوانند در این حکومت‌سهم بگیرند.

— حکومت موقتی موضوع موجودیت قوای ویتنامی را در ویتنام جنوبی باویتنام شمالی حل وفصل خواهد کرد و موافقت نامه‌های مربوط به بیرون کشیدن عساکر امریکا و متحدین آنرا امضاء واجرا خواهد نمود.

درپیشنهاد های جبههٔ آزادی ملی گفته میشود که ویتنام جنوبی یك دولت بی طرف، مستقل، صلح‌جو ودموکرات خواهد بود؛ اجرای انتخابات آزاد در ویتنام جنوبی در تاسیس یك اسامبلهٔ قانون ساز، تدوین قانون اساسی وتشکیل یك حکومت ائتلافی نماینده کمك خواهد نمود؛ ویتنام جنوبی باتمام کشورها بشمول ولایات متحدهٔ امریکا مناسبات عادی دیپلوماسی، فرهنگی واقتصادی برقرارخواهدنمودوبخاطر وحدت مجدد صلح آمیز ویتنام چه ویتنام شمالی وچه ویتنام جنوبی تعهد مینماید که در اتحادیه های نظامی خارجی اشتراك نخواهد کرد، عساکر دولت‌های بیگانه را در سرزمین خود متمرکز نخواهدساخت وحمایت هیچ کشور یا دسته نظامی را قبول نخواهد کرد.

درپیشنهادهای‌جدید جبههٔ آزادی ملی بیرون کشیدن عساکر امریکائی بحیث شرط قبلی برای تأمین صلح درویتنام پیش نگردیده است. در این پیشنهادها تاریخ معینی برای وحدت مجدد ویتنام ذکر نگردیده و گفته شده است که موضوع ازطریق مذاکره و مفاهمه بین ویتنام شمالی وویتنام جنوبی حل خواهد شد.

درپیشنهاد های جبههٔ آزادی‌ملی گفته میشود که منطقهٔ غیر نظامی موجود نه بحیث یك‌منطقهٔ جداکننده، بلکه بحیث یك منطقهٔ وصل کننده بین دو ویتنام باقی خواهد ماند.

پیشنهاد های جبههٔ آزادی ملی نه‌تنها راه را برای پیشرفت‌مذاکرات در کنفرانس پاریس باز می‌نماید، بلکه در عین زمان سندیست ازحسن نیت نیروهای وطن پرست ویتنام جنوبی. اکنون افکار عامه تمام جهانیان، تمام‌نیروهای صلح‌دوست ومترقی جهان متوجه آنست که امریکا در برابر این پیشنهاد های واقع‌بینانه و معقول جبههٔ آزادی‌ملی چه روشی در پیش میگیرد.

خواست همه بشریت مترقی و صلحدوست اینست که امریکا از چانس مساعدی که برای اعادهٔ صلح درویتنام بدست آمده استفاده کند و باینطریق به ترائیدی المناك‌ویتنام که خود آنرا آغاز نموده ومصایب بزرگی را برمردم ویتنام و امریکا تحمیل کرده است، خاتمه دهد و این فرصت مساعد را با ارائهٔ پیشنهاد های غیر واقع‌بینانه متقابل از دست ندهد.

تظاهرات واعتصاب پیروزمندانه

شاگردان لیسه زراعت بغلان

بروز شنبه (۲۰ ثور) شاگردان لیسهٔ زراعت، دارالمعلمین و عده‌ئی ازشاگردان مکاتب مرکز بغلان به مظاهرات خیابانی پراختند.

مظاهرهٔ شاگردان که بعنوان اعتراض بربی مبالاتی کارکنان شفاخانهٔ آنجا که باعث‌مرگ‌محمدعلم شاگرد صنف (۱۱) لیسهٔ زراعت شده بود، آغاز یافته واز ساعت (۸) صبح تا (۵) عصر روز مذکور باگرمی وحرارت ادامه داشت و با همنوائی و همدردی زایدالوصفی ازطرف اهالی شهر استقبال‌وتائید گردید.

شاگردان فردای روز مذکور بعد از انجام مراسم سوگواری، علی رغم تهدیدات مقامات حکومتی و معارف، علیه کارکنان شفاخانه و روش دکتاتورمنشانهٔ ادارهٔ لیسهٔ زراعت دست به اعتصاب‌زدند. این‌اعتصاب تاروز (۲۳) ثور ادامه داشت وبعد از آنکه والی بغلان برآورده شدن خواستهای شاگردان را مبنی برعزل ومحاکمه دکتور سهل انگار وبی‌مبالات معالج‌وبرکناری مدیر ومعاون اداری لیسه که در برابر شاگردان همیشه از دکتاتوری واعمال غیر انسانی کار می گیرند، وعده داد، باموفقیت انجام یافت. شاگردان شریف ووطنپرست بغلان طی‌قطع‌نامه‌ایکه در پایان این اعتصاب‌صادر کردند، ابلاغ‌نمودندکه اگرخواستهای ایشان بزودی ممکنه عملی‌نگرددویا به تهدید، اخراج وعمال فشار بر شاگردان پرداخته شود، مسؤولیت عواقب وخیم آن بدوش عوامل‌قانون شکن ودکتاتور منش دستگاه حاکمه خواهد بود.

دکنړ ونود عمراخان دلیسی،

دشاگردانو اعتصاب اومظاهره

زموږ خبریال دکنړ له ولایت نه خبر راکوی چه دثور په (۱۸) نیټه دپنجشنبی په‌ورځ دکنړ دعمرا خان دلیسی شاگردانو ددرسی مشکلاتو په نسبت اعتصاب وکړ. شاگردان وروسته له اعتصاب نه د ټولګیونه را ووتل او په مظاهره یی پیل وکه. د مظاهری په ترڅ کښی شاگردانو جذابی ویناوی وکړی او پدی ویناکانو کښی یی خپلی صنفی غوښتنی څرګندی کړی. شاگردانو غوښتنه وکړه چه هغه معلمان دی بدل شی کوم چه موږ ته درس نشی را کولای او علمی سویه نلری.

شاگردانو خپل اعتصاب او مظاهری د یکشنبی تر ورځی پوری جاری وساتلی.

دځمکنیو دولسوالی دزده کونکو

مظاهره

د پرچم خبریال د پکتیا د ولایت د ځمکنیو له ولسوالی نه خبر راکوی چه دثور په (۱۸) نیټه د پنجشنبی په ورځ، دځمکنیو او مقبل د منځنیو ښوونځیو زده کوونکو د تدریسی نیمګړتیاوو او په پکتیا کښی د قبیلوی شخړو د تحریك پر ضد، په مظاهره لاس پوری کړل. زده کوونکو د تدریسی نیمګړتیاوو د لری کولو په‌طرفداری او داحمدزیو او صبریو د قبائلو تر مینځ په شخړه کښی او همداشان د منګلو اوځاځیو د قبیلو په منازعه کښی دحکومتی مامورینو دغلط چال چلند په ضد ناری وهلی.

خبریال زیاتوی چه د زده کوونکو مظاهره څو ورځی اوږده شوه.

از (ص اول)

شرکت متحدانه وباوقار...

کردن، تبعید کردن و بیکارساختن ایشان و مداخلات تشدد آمیز در تظاهرات قانونی و مسالمت آمیز شاگردان وبالاخره حادثهٔ اسف‌انگیز وعمل ناشیانه و بی رحمانهٔ پولیس وژاندارم در برابر اعتصاب‌شاگردان مکتب ابن سینا (در ۲۳ ثور)، علائم بسیار زندهٔ وجود این شبکه‌های مرموز در دستگاه مریض وکهنه ادارهٔ حاکمه افغانستان میباشد.

دستگاه فرسوده اداری حاکمهٔ افغانستان که استعداد قبول نقشه‌ها و تصامیم این شبکه های پلید و سیاه را دارد، باعدم توازن وبی‌سروسامانی وصف‌ناپذیری‌ناشیانه، فتان و خیزان عمل میکند و سند سیاه محکومیت خودرا در پیشگاه مردم وتوده‌های بیدار شونده و تاریخ وطن تکمیل می‌نماید.

مسایل وقضایا را نادرست بررسی کردن، وضع را مخوف و غیرعادی نشان دادن، اعتصاب کنندگانرا باغی و متمرد پنداشتن، خودگواه دیگری بروجود شبکه های تخریبی وفتنه گر و سازمانهای خطرناك و خود سری در بطن‌دستگاه اداری حاکمه کشور ما میباشد.

اصدار اخطار های تحریك آمیز به‌شاگردان خورد سال، وارد کردن فشار وزور بر شاگردان خیلی جوان وکم سن وبالاخره حملهٔ شرم آور پولیس وژاندارم بر شاگردان‌بیدفاع وبی‌ضرر نشاندهندهٔ روشن این حقیقت است که قبول دموکراسی وآزادی برای هیأت حاکمه افغانستان قابل تحمل نبوده وصرف باکلمات میان تهی آنرا می‌خواهند تمثیل نمایند.

مادر حالیکه تأثرات عمیق خودرا نسبت به درگذشت این شاگردجوان ابراز میداریم، علاوه میکنیم که برگزاری جنازهٔ پرجلال و باوقار و مقاومت مسالمت آمیز، متین و متحدانه محصلان‌پوهنتون وشاگردان لیسه‌های مرکز در برابر پاسبانان ارتجاع نمونهٔ الهام بخشی است از اتحاد کلیه نیرو های مترقی دموکراتیك ووطنپرست کشور علیه ارتجاع وامپریالیزم و نیروی الهام‌بخشی است در راه به پیروزی رساندن نهضت آزادیبخش ملی و اجتماعی کشور ما افغانستان.

(دلمړی مخ پاتی)

دشوری ددیارلسمی...

مبارزه، دهیواد صنعتی کول او دخارجی تجارت او قاچاق مخنیوی، دغلی زیاتول او دنرخونودعادلانه سطحی استقرار؛

– داستبداد، ارتجاع او په‌هیواد کی دنوی استعماردنفوذپرضد مبارزه ځکه چه دا ټول دافغانستان په‌خلکو ستم چلوی.

– دسوله ایز ګډ ژوند داصولو پر اساس دبی‌طرف مثبت او مستقل ملی او مترقی سوله ایز خارجی سیاست پیروی، دپښتونستان د آزادی بخشونکی نهضت او په نړی کی دټولو آزادی بخشونکو ملی او مترقی نهضتونو (ویتنام، اعرابو اونورو) دفاع کول، له مترقی او ملی هیوادونو سره دافغانستان دروابطو پراختیا اوله زاړه او نوی استعمار او امپریالیزم سره ضدیت اوله جهانی سولی څخه دفاع کول.

(دافغانستان دخلك دموکراتیك جریان)

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر: سلیمان لایق

تیلفون: ۲۳۱۶۴

دیوی گڼی بیه ۲٫۵۰ – افغانی

مطبعه دولتی

ببرک کارمل

درباره خط مشی سیاسی جریان

دموکراتیک خلق افغانستان

تذکر :

۱- باوجود اینکه خط مشی‌سیاسی جریان دموکراتیک خلق‌افغانستان در تز ها ، درتحلیلات‌ومقاله ها ی علمی منتشره درجریدهٔ پرچم خلق توضیح شده است ؛ولی‌از مدتیست که فتنه گران‌ومنحرفین‌دربارهٔ خط مشی ستراتژیک‌سیاسی‌ما تفتین مینمایند و موزیانه تلاش میورزند ، آنرا مغشوش سازند .بد ینجهت یکبار دیگر بخاطر ردتوجیهات نا درست و تصریح‌بیشترموضوع، درین مقاله به توضیح‌علمی خط مشی سیاسی خویش میپردازیم،تا همچنان اگر قسماً اشتباهاتی‌در گذشته رخ داده باشد ویاسؤتفاهماتی در میان باشد ، از ریشه رفع گردد .

۲-این نکته قابل یاد آوری‌است‌که کشور ما هنوز در مرحله آرام‌تکامل سیاسی خود قرار دارد ،لذا وقتیکه ما بغرض روشنی-انداختن به دور نمای انقلاب ،کلمهٔ‌انقلاب را درین مقاله بکار برده ایم،باید خوانندگان‌محترم در نظرداشته‌باشند که مقصود ما از انقلاب هیچگاه (اغتشاش ، شورش ،آشوب ، ماجرا جویی ، توطئه‌چینی‌وهرج ومرج طلبی) وبازی‌با انقلاب‌نیست . زیرا انقلاب از خود علماً قوانین اساسی دارد .

طرح علمی مسأله :

برپایهٔ تئوری علمی ، خط مشی سیاسی (ستراتژی وتاکتیک) بمثابه علم و فن رهبری مبارزه طبقاتی زحمتکشان برای آزادی اجتماعی وملی بشمار میرود . خط مشی سیاسی پیشآهنگ کارگران از ابتدای طرح مسأله تاکنون باتجارب ، پدیده ها ونظرات‌تازه یی رشد وتکامل یافته است ومنحیث-المجموع یک سلسله قواعد واصول علمی دربارهٔ رهبری مبارزه طبقاتی زحمتکشان‌واردگنجینه عمومی‌تئوری علمی گردیده است . مطابق به خط مشی سیاسی‌پیشآهنگ طبقهٔ‌کارگر، مشی ستراتژیک (مشی عمومی) متوجه اجرای **وظایف عمده** وتامین اهداف عمده دریکمرحله معین‌تاریخی میباشد که از آغاز ، روابط نیرو ها را در میان طبقات در نظر میگیرد . سر وکار ستراتژی پیوسته‌بانیروهای اساسی انقلاب (طبقه کارگر ومتحدین ومتفقین آن) یعنی صف‌آرائی قوای طبقاتی در یک جهت‌علیه **دشمن عمده** است. ستراتژی (مشی عمومی)« در حالیکه در طی تمام دوره یکمرحلهٔ معین اساساً تغییری نمینماید »، ولی‌با انتقال انقلاب از یکمرحله تاریخی‌به مرحله دیگر تاریخی تغییر می یابد .

قابل تذکر است‌که هرگاه‌وظایف عمده ستراتژیک در تمام مرحله از نظر انداخته شود ومبتنی برتمایلات چپروانه ، یکمرحله تاریخی ذهناً حذف گردد وواقعیت محیط وجامعه در نظر گرفته نشود ، اشتباه‌عظیمی خواهد بود. لیکن‌این تاکتیک(پالیسی جاری) است که در مدت های‌نسبتاً کوتاه مطابق به ستراتژی در جریان جذر ومد های نهضت ، پیچ وخم‌های جنبش، در زمان تعرض‌وعقب‌نشینی ، صعود یا نزول ومانورهای مبارزه تغییر می یابد ، بهمین جهت گفته میشود که تاکتیک جزئی از ستراتژیست و مطیع‌ومجری‌اوامر آن است .

بر پایهٔ این مقدمهٔ علمی باید نیروی پیشآهنگ (حزب طبقه کارگر)، مرحله تاریخی ایرا که در جریان آن مبارزه میکند ، تشخیص دهد و علماً آگاهی حاصل نماید که در کدام مرحله جنبش‌رهایی بخش قرار دارد و چگونه مطابق به نقشه مقتضی مبارزه را در طول‌مدت مرحله معین تاریخی‌به‌پیش به برد .

مشی ستراتژیک جریان دموکراتیک خلق افغانستان:

جنبش‌رهائی بخش ملی واجتماعی کشور ما دارای دو مرحله‌ستراتژیک است‌که نمیتوان پیشگوئی کرد که به کدام تاریخ شمسی یا عیسوی مرحله اول آن ختم میشود و مرحله دوم شروع میگردد .

مرحله اول :

چنانکه بار ها تصریح گردیده است اکنون کشور ما در مرحله اول یعنی در مرحله **دموکراتیک وملی** جنبش اجتماعی قرار دارد ویابعبارت دیگر بر اساس پروگرام حد اقل ، هدف عمده ستراتژیک ما درمرحله کنونی عبارت است از انتقال قدرت حاکمه از دست طبقات وقشر های ارتجاعی(ملاکان فئودال ، بورژوازی بزرگ دلال وابسته به امپریالیزم، بیروکراتهای ملاک -بورژواقشرهای فوقانی ماموران) به دست طبقات وقشر های دموکراتیک وملی (کارگران ، دهقانان ، دیگر قشرهای زحمتکش شهر وده ، اکثریت بزرگی از قشر روشنفکران‌وماموران موسسات دولتی و خصوصی ، خرده بورژوازی وطبقه متوسط یابه اصطلاح « بورژوازی ملی ») . از آنجائیکه این طبقات واقشار دموکراتیک دارای هدف سیاسی مشترک اند ، بخوبی میتوانند در جریان جنبش بر پایه پروگرام مشترک و خط مشی مشترک وعمل مشترک با یکدیگر در یک جبهه‌متحد شوند و متفقاً در راه‌به پیروزی رساندن جنبش رهائی بخش ملی ودموکراتیک افغانستان فعالیت‌مؤثر بنمایند .

مرحلهٔ دوم :

هیچکس نمیتواند انکار کند که بر اساس پروگرام حد اکثر ، هدف غایی وهدف عمده مرحلهٔ دوم ستراتژیک جریان دموکراتیک خلق افغانستان - این جریان پیشآهنگ طبقه کارگر کشور ، استقرار نظام سوسیالیستی است . ولی باید در نظر گرفت (بناغلو سوسیالیستهای (!) فتنه گر گوش کنید!) که جنبش افغانستان در مرحلهٔ اول خود است و هنوز تضاد عمده‌میان خلق کشور ما با فئودالیزم وامپریالیزم حل نشده است . بر اساس تئوری علمی ، تحول سوسیالیستی وقتی میتواند بحیث هدف وشعار عمده ستراتژیک نهضت انقلابی افغانستان اعلام شود که وظایف مرحلهٔ انقلاب ملی ودموکراتیک بطور عمده حل گرددوشرایط لازم مادی وذهنی برای گزار بمرحلهٔ دوم (سوسیالیستی) فراهم گردیده باشد . این ساختهٔ ذهن مانیست ، این علم است وواقعیت شرایط تاریخی جامعه ما چنین حکم‌مینماید.

باید جداً خاطر نشان گردد که مقصود ما ازتعیین مراحل‌استراتژیک واهداف ستراتژیک بصورت قطع این نیست که میان مرحلهٔ اول ومرحلهٔ دوم ، مرز غیر قابل عبوری را بکشیم . زیرا اصل مهم وانکار نا پذیر جهانبینی علمی است که تبدیل انقلاب دموکراتیک به تحول سوسیالیستی امکان پذیر است .

تئوری علمی انقلاب بما می آموزدکه در دوران تسلط امپریالیزم ، انقلاب ملی دموکراتیک نه تنها خصلت‌ضد فئودالی دارد ، بلکه ضد سرمایه‌های انحصاری خارجی وداخلی نیز میباشد . به اینمعنی‌که انقلاب ملی ودموکراتیک نیز با همان دشمنی مبارزه میکندکه وظیفه مرحلهٔ جنبش کارگری وسوسیالیستی است . ولی البته این مسأله بیشتر مربوط است به موضوع سر کردگی طبقات دموکراتیک‌درانقلاب ملی‌ودموکراتیک.

مسأله سر کردگی در انقلاب‌ملی ودموکراتیک :

تئوری علمی بما می آموزد که طبقه کار گر کشور های عقب مانده میتواند (وباید بتواند) در شرایط مساعد ، رهبر وپیشآهنگ انقلاب دموکراتیک وملی باشدو هژمونی (سرکردگی) آنرا بدست آورد وآنرا صحیحاً‌رهبری کرده ، بکمک دیگر نیروهای خلق به پیروزی نهایی برساند . زیرا نهضت دموکراتیک وملی در کشور های عقب مانده نهضتی است که ماهیتاً همهٔ ملت ، همهٔ خلق، همهٔ **طبقهٔ‌کارگر وهمهٔ دهقانانرا به جنبش** در میآورد، بهمین جهت است که باید طبقهٔ‌کارگر تحت پرچم پیشآهنگ خود از جنبش دموکراتیک وملی برکنار نماند ورهبری رابدست«بورژوازی‌ملی» نسپارد وزیر این افسون که بورژوازی ملی رم میکند، قرارنگیرد؛ باجدیت تمام در جنبش شرکت‌کند وبرای به انجام رساندن جنبش دموکراتیک و ملی با عزم راسخ مبارزه کند . زیرا در وضع وشرایط کنونی بدون طی مرحلهٔ دموکراتیک وملی دیگر وسیله ئی برای نزد یک شدن‌به‌سوسیالیزم‌بمشاهده نمیرسد.

تجربه نشان میدهدکه پیگیرترین مبارز وپیشرو ترین **طبقه** ویگانه طبقه انقلابی ثابت قدم در راه‌به‌پایان رساندن جنبش دموکراتیک ،درراه تامین مصالح‌ملی‌وپیشرفت‌اجتماعی‌طبقه کارگر است‌که با رشدوتکامل صنایع صفوف ونقش آن افزایش می یابد . بهمین‌جهت کسی که‌بخواهد از اهمیت جنبش دموکراتیک وملی درین مرحله تاریخی بکاهد ونقش طبقه کارگر را در جریان جنبش کم بها دهد و آنرا دنباله رو‌نیروی کمکی دیگر طبقات و قشر های دموکراتیک و « بورژوازی ملی » قرار دهد درحقیقت‌به امردموکراسی ترقی ومصالح عالیهٔ ملی وخلق، کشور ما افغانستان خیانت میکند .

باید توجه داشت که «بورژوازی ملی» بنابر خصلت دو گانه خود بموازات رشد جنبش دموکراتیک وملی بیش از پیش به سازشکاری با امپریالیزم وارتجاع داخلی میگراید . از ینروست که طبقه کارگر و پیشآهنگ آن باید در نخستین صف نبرد قرار گیرند . جنبش دموکراتیک وملی صرفدر شرایطی به پیروزی نهایی رسیده میتواند که در نیمه راه متوقف نگردد . و ظیفهٔ طبقهٔ کارگر درتحت پرچم پیشآهنگ خود آنست که باید بمنظور حفظ ، تحکیم وتوسعه پیروزی های خویش‌موضع‌به موضع، موج به موج، مقام رهبری خودرادر جریان جنبش‌دموکراتیک وملی‌تامین کند واز یک پیروزی به پیروزی دیگری دست یابد وسر انجام به پیروزی کامل‌جنبش دموکراتیک وملی وبه تبدیل آن به‌تحول سوسیالیستی واستقرارنظام سوسیالیستی نایل آید .

از توضیح مختصر فوق چنین نتیجه گرفته میشود : در صورتیکه طبقه کارگر کشور های عقب مانده مؤفق شود سر کردگی ورهبری انقلاب ملی و دموکراتیک ضد‌فئودالی وضد امپریالیستی راتامین نماید و آنرا بدرستی رهبری کند وبکمک دیگر نیروهای خلق‌به پایان رساند ، آنگاه تبدیل فوری ویاکوتاه مدت مرحله دموکراتیک (مرحلهٔ اول) به تحول سوسیالیستی (مرحلهٔ دوم) امکان پذیر است .در عصر کنونی که محتوی اساسی‌آنرا جریان انتقال از سرمایه داری به سوسیالیزم تشکیل میدهد ،کاملا ممکن است که نبرد در راه اجرای وظایف دموکراتیک سبب آن گردد که ضرورت دو مرحله مشخص ، متفاوت ومتوالی بوجود نیاید ، بلکه اجرای وظیفه دموکراتیک وسوسیالیستی بصورت مراحلی از یک‌جریان (پروسه) واحد انقلابی پدید آید . نمونهٔ بعضی از کشور های مترقی آسیا واروپا مبین صحت این تئوری علمی انقلاب است .

بهمین جهت است که یکبار دیگر تصریح میکنیم که در صورت تامین مؤفقیت در جنبش دموکراتیک وملی به سر کردگی طبقهٔ کارگر وتحت‌پرچم پیشآهنگ آن حکومتی (حکومت بمفهوم علمی وعام آن) که ازین مرحله بوجود می آید ،ازلحاظ ماهیت خود حاکمیت زحمتکشان است واز جهت شکل خود حکومت دموکراتیک خلق خواهد بود. ولی هرگاه علی رغم کوشش مجدانه پیشآهنگ طبقه کارگر باز هم‌بنابر علل وعوامل مختلف سرکردگی طبقه کار گر تحت پرچم پیشآهنگ آن در وهله اول انقلاب دموکراتیک وملی تامین‌نگردد ، حکومتی‌که ازین مرحله بوجود می‌آید ، آنهم‌دربهترین وضع از جهت ماهیت خود ائتلاف کلیه نیرو های دموکراتیک و ملی ترقیخواه وطنپرست خواهد بود واز جهت شکل‌یک حکومت دموکراتیک وملی ، که وظیفه کلی آن عبارت است از محو بقایای استعمار، ریشه کن ساختن نفوذ وتسلط امپریالیزم ، طرد نمایندگی های انحصارات خارجی ،تامین استقلال سیاسی واقتصادی ودموکراسی سیاسی واقتصادی ،لغو نظامات ومناسبات فئودالی ، انجام‌اصلاحات اساسی ارضی ، احداث صنایع‌ملی وصنعتی کردن کشور ، تعقیب راه غیر سرمایه داری ، تعقیب‌سیاست خارجی مستقل ، مترقی وصلحدوستانه .

باید یاد آور شد که میزان دموکراتیک بودن وشکل این‌حکومت باز هم بعوامل مختلف که نمیتوان پیشبینی کرد ، ارتباط دارد . ازقبیل درجه نفوذ طبقهٔ‌کارگر ،درجهٔ اتحاد طبقه کار گر با دهقانان واستواری وپیگیری دیگر سازمانها و نیروهای ملی ودموکراتیک ، خصوصیت جبهه متحد ، نقش خرده بورژوازی، شرایط داخلی وخارجی وغیره‌وغیره.

مسأله قابل توجه اینست که یکعده عناصر فتنه گر ومنحرفین راجع‌به حکومت دموکراتیک وملی وروش جریان دموکراتیک خلق افغانستان ، توجیهات نا درستی مینمایند . این آقایان گمان میکنند که مقصود ما از حکومت دموکراتیک وملی واشتراک پیشآهنگ طبقهٔ‌کارگر در آن ، همانا عبارت است‌از حکومتهای مرتجع فئودالی‌وبورژوازی وابسته به امپریالیزم .

باید به این آقایان به صراحت تفهیم گردد که هیچگاه مقصود ما چنین نبوده و هر گز چنین نخواهد بود ، این آقایان منحرفین‌وچپروان باید توجه داشته باشند که درینجا دو چیز مختلف را با هم مخلوط مینمایند و در مباحثه راجع به این مسأله از نظر جهانبینی علمی عدم قابلیت خود را ابراز میدارند .

مسأله شرکت پیشآهنگ طبقه‌کارگر در حکومت در دوره فقدان شرایط مساعد وفقدان‌وضع انقلابی درکشور هیچگاه موضوع بحث شده‌نمیتواند. بحث مابر سر شرکت پیشآهنگ طبقه کارگر در یک حکومت انقلابی ملی دموکراتیک است‌که این‌حکومت در دوره جنبش انقلابی‌بخاطرپیروزی انقلاب دموکراتیک وملی ضد‌فئودالیزم وضد امپریالیزم مبارزه میکند « واین وضع . . . شرکت را در اینگونه حکومت روا میدارد و در صورت شرایط مساعدی این شرکت را اجباری میسازد تا اینکه انقلاب نه تنها « از پائین» از برون بلکه از . . . از درون حکومت هم مورد ضربت واقع گردد » .

همچنان این نکات قابل یاد آوری است : صرف نظر از ینکه شرکت نمایندگان پیشآهنگ طبقه کارگر در حکومت انقلابی‌دموکراتیک وملی امکان پذیر باشد یانه ، نکته مهم اینست که در هر صورت پیشآهنگ طبقه کار گر بایداستقلال سازمان و نیروی خود را اکیداً حفظ کند و بر نمایندگان خودکه برای مرحله سوسیالیستی جد وجهد میکنند نظارت جدی داشته باشد واز منافع مستقل طبقاتی طبقهٔ کار گر ومتحد نزدیک آن (دهقانان)وسایر زحمتکشان‌شهر وده‌دفاع‌کند وموضع بموضع، موج بموج پیشروی نماید واز یک پیروزی به پیروزی دیگر دست یابد تا سر کردگی طبقهٔ‌کارگر را در انقلاب دموکراتیک وملی از طریق فشار پی در پی ومتناسب به شرایط از داخل حکومت انقلابی دموکراتیک وملی وخارج از آن‌تامین نماید و مرحلهٔ انقلاب ملی ودموکراتیک را به آخر رساند وبرای تحول واجرای وظایف‌مرحله سوسیالیستی مبارزه را آغاز کند .

انقلاب با«انقلاب بازی» فرق‌دارد:

انقلاب ملی واجتماعی یک پدیده تصادفی نبوده ، بلکه پدیده ایست طبیعی وقانونی‌که مولود تکامل شرایط مادی زندگی جامعه وتضادهای درونی آن میباشد ، انقلاب ملی واجتماعی تحول عمیقی است در زندگی سیاسی ، اقتصادی وایدئولوژیک جامعه‌که در نتیجه آن مناسبات تولید کهنه از بین میرود ومناسبات تولید جدید جانشین آن میگردد . انقلاب جامعه را منحیث‌المجموع به پیش میراند ، بهمین جهت آنرا قوهٔ محرکه(لوکوموتیف) تاریخ میگویند . ولی‌نکته مهم‌اینست که انقلاب با «انقلاب بازی » و «انقلاب سازی » و «صدور انقلاب»، توطئه‌چینی ، انارشیزم‌وماجراجویی فرق دارد، با تمایل ، تحکم اراده یکفرد ، گروه وحزب سیاسی ویا تنها به تعیین‌مراحل وهدفهای‌انقلاب وحتی طرح صحیح نقشه ستراتژیک اجرا شده نمیتواند . برای اجرای انقلاب شرایط تاریخی معینی‌ضروری است. بعبارت دیگر برای انقلاب آمادگی شرایط عینی‌وذهنی لازم‌است که هر یک آن در مجموع دارای موازین و ضابطه های علمی اند .

بهمین جهت است که نباید جریانات واحزاب انقلابی فقط به اتکای نیروی خود ، بعد از تعیین مرحله انقلاب اقدام‌کنندواحساسات، عواطف وتصامیم خود راجایگزین احساسات وتمایلات توده های وسیع خلق نمایند . مسؤولیت‌عظیم پیشآهنگ طبقهٔ کارگر و دیگر جریانات ملی ودموکراتیک است‌که بادر دست داشتن حلقه زمان‌ووقایع، اوضاع واحوال سیاسی واجتماعی را بدقت مورد مطالعه قرار دهد وبموقع اقدام نماید . بادرنظرگرفتن شرایط عینی ووضع انقلابی ،انقلاب وقتی پیروز میگردد که طبقه‌پیشرو کارگر آمادگی ، تشکل ، آگاهی و متحدین با وفا داشته باشد وپیشآهنگ آزموده و آبدیدهٔ آن یعنی حزب طبقه کار گر انقلاب را رهبری کند . ولی باید جداً متوجه بود که« تنها با پیشآهنگ نمیتوان پیروز گردید ، تا زمانیکه تمام‌طبقه وتوده های وسیع خلق موافقت خود را با این پیشآهنگ اظهارنکرده‌اند وبه پشتیبانی‌مستقیم‌ازآن‌برنخاسته‌اند و یا اقلا یک بیطرفی متمایل به حسن نظر اتخاذ نکرده اند . . سوق دادن پیشآهنگ به نبرد قطعی نه تنها حماقت است، بلکه جنایت وخیانت محسوب میشود . لذا برای آنکه حقیقتاً تمام طبقه وتوده های عظیم‌زحمتکش وستمدیدهٔ سرمایه ، چنین موقعیتی را اتخاذ نمایند ، تنها تبلیغات وآژیتاسیون کافی‌نیست ،بلکه تجربه سیاسی‌خود این توده ها لازم است . اینست قانون اساس تمام انقلاب های بزرگ . . . »

مشی تاکتیکی :

ولی باید خاطر نشان ساخت که هیچ پیشآهنگ انقلابی به‌بهانهٔ اینکه شرایط عینی و ذهنی انقلاب آماده نیست ، نمیتواند ساکت وآرام باقی بماند . درینجاست که مسأله تاکتیک ورهبری تاکتیکی موضوع بحث میگردد . تاکتیک ، رهبری تاکتیکی وشعار های تاکتیکی (شعار های مبرم مبارزه) جزیی از ستراتژی ، رهبری ستراتژیک وشعار های ستراتژیک بوده وتابع آنست، وهدف‌پیروز ساختن‌نهضت در مبارزات مشخص ومعین درسمت ستراتژی است که بنابر تغییر اوضاع سیاسی تغییر می یابد . بنابرین وظیفه رهبری تاکتیکی آنستکه به همه اشکال مبارزه‌مسلط شود و توده ها را به جبهه نهضت سوق دهد و براساس تناسب قوای موجود ومتناسب به جذر ومدنهضت ودر دست گرفتن حلقه مخصوص‌از زنجیر وقایع سیاسی (شرکت‌یاعدم شرکت درپارلمان ، تاسیس‌جریده، اتحاد ها وائتلافها ، تعرض ، عقب‌نشینی و غیره وغیره) مقدمات پیشرفت ستراتژیک را تدارک به بیند . باید یاد آورشد که«بطور کلی انقلابی بودن یا طرفدار‌سوسیالیزم ... بودن کافی‌نیست... باید بلد بود در هرلحظه آن حلقه مخصوص را پیدا کرد که برای‌بدست آوردن تمام زنجیر وفراهم نمودن مقدمات انتقال بحلقه دیگر باید باتمام قوا به آن چسپید . . . .»

اینها همه الفبای مبارزه است‌که بدون فهم و بکار بردن آن نمیتوان بطرف پیروزی گام بر داشت . واقعیت اینست که عدم توجه به هدف ودور نمای مبارزه در مرحلهٔ کنونی خلق را به‌گمراهی و جنبش رابه شکست مواجه میسازد .تئوری علمی می آموزد که نباید مبارزه‌درراه وظایف تاکتیکی ما را چنان مشغول دارد که مراحل استراتژیک ودورنمای مبارزه انقلابی را در مجموع خود از نظر بیاندازیم ، تنها پیوند دیالکتیکی میان شعار های تاکتیکی، هدف وشعار های ستراتژیک‌ومرحله دموکراتیک ومرحله سوسیالیستی است که واقعاً مبارزات مارا مضمون واقعی انقلابی میدهد .

خلاصه اینکه :

در خاتمه باید صراحت داد که وسیله کامیابی نهایی جنبش دموکراتیک وملی عبارتست از جبهه متحد تمام نیرو های دموکراتیک وملی و طنپرست ومترقی که علیه ارتجاع وامپریالیزم مبارزه میکنند وستون اساسی این جبهه را اتحاد طبقه کارگر ودهقانان به رهبری‌طبقهٔ کارگر تشکیل میدهد . بنا بر این اصل تغییر نا پذیر اعلام میداریم‌که تا جائیکه به پیشآهنگ طبقه کارگر افغانستان (جریان دموکراتیک خلق افغانستان) تعلق میگیرد، بادرنظر گرفتن تمام امکانات وقدرت‌ومسایل مطروحه فوق سعی خواهد کرد تا نهضت کنونی دموکراتیک و ملی افغانستان را به‌سرکردگی(هژمونی) طبقه کارگر به پیروزی نهایی برساند ونهضت انقلابی را بجهت تحول سوسیالیستی همچنان به‌پیش رهبری کند . البته باید درنظر داشت که نیل به این هدف بزرگ درجریان بالنسبه طولانی جنبش‌به صحت رهبری وجلب خلق در تحت رهبری طبقهٔ کار گر مربوط است‌که باید طبقهٔ کارگر تحول دموکراتیک رابه آخر برساند و توده دهقانان را بخود متحد سازد ، مقاومت حاکمیت مطلقه مرتجع ووابسته رادر هم‌شکند، نفوذ امپریالیزم‌راریشه‌کن نماید ، نظام فئودالی‌وکمپرادوری را از میان بر دارد وبی‌ثباتی به اصطلاح « بورژوازی ملی» راخنثی سازد . مسلم است که برای اجرای وظایف این مرحله ستراتژیک باید پیوسته کار پیگیر وصبورانه‌سازمانی ،سیاسی وایدئولوژیکی را ادامه داد ، مراحل تاکتیکی‌ومقدماتی را مؤفقانه گذراند و شرایط عینی وذهنی را صحیحاً محاسبه کردوتمام مراحل ووسایلی راکه مارا به هدف نزدیک میکند وبه پیروزی میرساند آماده ساخت و از آنجا ئیکه‌وظایف دموکراتیک ما‌باوظایف‌سوسیالیستی ارتباطلاینفک دارد، باید درفعالیتهای عملی این‌ارتباط راجداً درنظرگرفت.

بادرنظرداشتن این شرایط‌به‌پیش به جهت پیروزی !

مردم ولسوالی علیشنگ لغمان

درشرائط ناگوار قرون عتیقه بسر میبرند

بادارهٔ محترم جریدهٔ ملی پرچم ،ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق‌افغانستان !

این نامه را به عنوان اعتراض مردم علیشنگ لغمان ویادگاری از رنجهای بیکران خلق ستمدیدهٔ پراچغان ولسوالی‌علیشنگ‌تقدیم میکنم . باید مردم سراسر‌افغانستان از زندگی‌و شرایط دشوار یکدیگر اطلاع حاصل کنند و این‌اطلاعات بحیث رشتهٔ برادری وهمبستگی هر چه بیشتر گسترش یابد .

پراچغان ولسوالی علیشنگ که‌در دره های پرپیچ و تند هندوکش شرقی واقعست و شرایط بسیار دشوار کوهستانی را دارا میباشد ، تقریباً بیش از هفت هزار نفوس دارد .

مردم پراچغان برای رسیدن به مرکز ولسوالی مجبورند سه روز در راههای تنگ و دشوار کوهستانی طی منزل کنند و باین حساب یک زحمتکش این منطقه برای تحویل کردن (۷۵) پول مالیه مجبور است شش روز بلاتوقف راه برود تا دو دره به محل بود وباش خودبر گردد واینهم در صورتیکه شرایط عادی وآب وهوا مساعد باشد .

چون پراچغان زمین‌و منابع کافی ندارد ، زحمتکشان اینجا مجبورمی‌شوندبه خاطر بدست‌آوردن بخور و نمیر باطراف دور دست بروند ،کار کنند وهنگام مراجعت جو، جواری، گندم ونمک مورد ضرورت خود رااز همان دور دست‌ها به سوی‌ارتفاعات دره ها حمل کنند واین خودرنج عظیم وپایان ناپذیر مردم ماست .

از صحت حتی درین عصر کیهان ابتدایی ترین مفکوره‌ئی در اکثریت مردم ما وجود ندارد . آنان‌نمیدانند که‌داکتر، دوا، شفاخانه،واکسیناتور ونرس چگونه «مخلوقی» است.از لحاظ زراعتی شرایط ناگوار قرون عتیقهٔ حکمفرمایی دارد. زنان پاکدامن وزحمتکش اهالی ‌پراچغان‌زمینک‌های بسیار کوچک کوهستانی خود را با بیل وکلند زرع مینمایند . شبهای ظلمانی را باچوب چراغها سپری میکنند واز چراغهای تیلی قدرت استفاده را ندارند .

حاصل محدود که از جوزوزیره توسط زحمتکشان بدست می آید توسط ارباب نفوذ محلی وتاجران سود خوار به قیمت های بسیار ارزان جذب میگردد . برای جذب این مواد از چه فریب هاو دسائسی که استفاده نمیشود . مردم بیچاره نسبت فقر ونا آگاهی بتمام این شرایط ظالمانه تن میدهند .

از لحاظ معارف صرف یک مکتب دهاتی رابرای مردم مادرین اواخر تاسیس کرده‌اند، آنهم بطوریکه‌معلم این مکتب هفته ها وماهها از مکتب غائب است .

در موسم تابستان عده‌یی‌ازمتنفذین بخاطر استفاده از آب و هوای‌مساعد کوهستان ما، بطرف ما می آیند و درین مدت مردم ناآگاه وفقیر ما را علیه یکدیگر تحریک میکنند وبساکه این‌تحریکات‌بزدوخورد ها،مخاصمت‌های‌طولانی وحتی قتلها منجر میگردد .

این است گوشه ئی از زندگی خلق‌پراچغان علیشنگ که به مثابه مشت نمونهٔ خروار به مطالعهٔ زحمتکشان سراسر افغانستان‌تقدیم میگردد .

پیکارگر پراچغانی

شکایت اهالی بینی حصار

به جریدهٔ پرچم- ارگان نشراتی دموکراتیک خلق افغانستان !

از آنجائیکه پرچم در عمر کوتاه‌نشراتی خود پیوسته از حقوق ومصالح مردم افغانستان دفاع کرده است ودر موضع اساسی خود به‌دفاع از منافع خلق محروم کشور وخواستهای آن چون صخره استوار قرار دارد، بنابر‌آن‌مااهالی‌بینی‌حصار توقع داریم که این خواست ما‌رانیز‌انعکاس دهد.

حین سروی سرک کابل - پل‌علم‌مهندسین وزارت فوائد عامه ازتانک‌تیل شاه شهیدتاپل‌سفید(درنزدیکی بینی حصار) سرک اصلی موجودرا برای تسطیح وقیر ریزی انتخاب کردند واز آن بس که باید سرک مستقیم کشیده میشد ، چنانچه‌مهندسین نیز آنرا در ابتدا بخاطراقتصادی بودن و کوتاه بودن آن ،چنین نقشه وعلامت گزاری هم کردند، ولی‌از آنجائیکه در مسیرآن منازل واملاک یکتعداد متنفذین ‌محلی واقع میگردید، به یکبارگی نقشه‌بهم خورد وراه پرپیچ وطولانی تر که‌از میان قریهٔ‌بینی‌حصار میگذرد،انتخاب گردید. با عبور سرک ، پنجاه ودو خانه که‌سرپناه زحمتکشان و دهقانان بینوا بود، بعلاوه چندین دکان ویران گردید.

اکنون در نظر است‌که عرض‌سرک در ینقسمت از ده متر به سی متر رسانیده شود که در اثر آن ده‌ها منزل ودکان دیگر ویران خواهد شد وعده ئی دیگر نیز از داشتن کلبهٔ محقری بعنوان‌سرپناه ،محروم‌خواهند گردید.

باید تصریح کردکه ما اهالی‌بینی حصار اهمیت سرکهای عصری را میدانیم ومخالف تمدید آنها نیستیم ولی تا آنجائیکه بطور غیر عادلانه وبخاطرگل‌روی‌عده‌ئی ازصاحبان‌امتیاز وبه اصطلاح«بارسوخ»بزیان‌اکثریت مردم تمام نشود، آنچنانکه دربینی‌حصار واقع شده است .

اکنون عده‌ئی‌زیادی‌از خانواده‌های فقیر بینی حصارآواره وخانه‌بدوش گردیده‌اندکه‌جداًمیخواهند مشکلات آنها‌از ناحیه‌نداشتن‌سرپناه دربرابر منازل ویران شدهٔ‌شان رفع گردد. زمینی که برای ساختمان خانه در دامنه کوه ودور از مردم تعیین گردیده است، مشکلات آن از ناحیه آب، وسایل حمل ونقل، برق، سرک ،بعد مسافه‌وغیره‌عملاًساختمان‌خانه‌ها وسکنی در آنجارا ناممکن ساخته است واین‌موضوع‌مورداعتراض‌شدید مردم این منطقه می باشد .

امضا عده ئی‌ازاهالی بینی حصار به نمایندگی از مردم آنجا)

دردها، شکایتها واعتراضات خلق

ولسوالی کنگ درزیر امواج آب هلمند

هزاران دهقان بی خانمان ودهها هزار جریب مزارع زیر آب شد

امسال سال دردها و رنجهای عظیم برای خلق زحمتکش ولسوالی کنگ بود. آبهای هلمند بند خاکی دهقانان راشکست مزارع گندم را بلعید و هزاران زحمتکش را بی خانمان ساخت، بدین مناسبت زحمتکشان بیدفاع پیامها ، اعتراضات و فریاد های خودرا پیوسته به پرچم مینویسند و تقاضا می کنند تا باز هم‌مصیبت و بلای عظیم سیلابهای هلمند را جهت آگاهی وطنپرستان وافشای دستگاه حاکمه مرتجع به نشر بسپاریم ، در ذیل قسمت های مختلفی از ین نامه ها را تقدیم خوانندگان ارجمند پرچم‌میکنیم :

* * *

« ... مردم‌ولسوالی کنگ‌همه‌ساله قربانی‌زیادی به آبهای طغیانی هلمند میدهند .

روش حکومتهای افغانستان وعدم توجه آنها بامر زندگی دهقانان، مصیبت بدبختی دهقانان «کنگ» را تکمیل کرده است .

جدال

* * *

... من شخصاً شاهد آن بودم که سیلاب کلبه ها اموال، آذوقه و مزارع دهقانان کنگ را فرو می برد و همه چیز را به کام خود می کشید ، من خود میدیدم که چگونه رنگ از چهرهٔ زحمتکشان میرود ، چشمها از حدقه‌ها بیرون می آید ، وحشت بر سراپای مردم نفوذ میکند و فریاد های استغاثت واسترحام از گلوها بیرون میجهد. چه وحشت آور بود که هجوم آب پیوسته در قلب مزارع گسترش می یافت‌ودیوارهای گلین خانه ها یکی بعد دیگری سر نگون می شد. عده‌یی به‌خاطر غرق شدن اطفال‌شان فریاد سر میدادند وکمک میخواستند ولی درآن لحظات نازک کدام کسی می‌توانست جان خودرا فراموش کند وبه کمک‌آن دگران بشتابد ؟

قرار اظهارات مردم ، هزاران نفر از باشندگان ولسوالی‌کنگ خانه ها ومحصولات خودرا از دست دادند ، هنوز قرضها و سود های سال گذشته تادیه نشده ، هنوز اطفال و مادران شان یکجوره لباس سال آینده را تهیه نکرده اند ، که هلمند حاصلات تازه را ربودومردم را به گرسنگی و مرگ محکوم کرد.

مردم سیلاب زده قبل از وقوع طغیان آب و شکستن سد خاکی، عواقب شوم فوق را توسط عرایض جداگانه بولایت نیمروز ، وزارت فواید عامه و صدارت اطلاع داده بودند اما نفوذ یکی از فیودالان‌محلی و همکاری بروکراسی کشور باوی موجب شد که‌این فاجعه اتفاق افتد، چه فیودال مذکور برای نجات دادن یک قسمت اراضی خود سد جدیدی را به همکاری حکومت در برابر آب کشید ومساعی برای تقویت بند خاکی اول را که دهکده ها و کشتزار های هزاران دهقان را حمایت می‌کرد، تضعیف نمود. اینکار موجب آن شد که سد خاکی دهقانان در اثر فشار آب بشکند و فاجعه درد ناک فوق را به میان آرد .

میگویند هنگامیکه آب سد خاکی را از چندین نقطه شکست و فشار آب از زمین های فیودال سرشناس متوجه مزارع زحمتکشان کنگ شد ، گماشتگان فیودال مذکور فیرهایی بصورت شادیانه شلیک کردند .

بزرگر از چخانسور

* * *

از هژده سال باینطرف مادهقانان وزحمتکشان ولسوالی کنگ ولایت نیمروز تحت تهدید سیلابهای بهاری حوزه هلمند قرار داریم . **والیانی آمدند و رفتند**، تخصیصهای پولی از دولت گرفتند و صرف کردند (؟) و بند خاکی برای دفاع اراضی و دهکده‌های ما اعمارنمودند، بندیکه عقل هیچ بیننده قبول نمیکرد در برابر طغیان آبهای هلمندمقاومت کند .

سال گذشته یکی از ملاکان و متنفذان محلی به خاطر حمایت زمینهای دشتی خود حکومت نیمروز را وادار ساخت که بندی را برای دفاع از زمینهای وی اعمار کند ، ولایت نیمروز و ملاک مذکور به اشتراک هم توانستند توجه حکومت را باعمار بند مذکور که آب های فاضلهٔ هلمند را سد می نمود،معطوف **سازند** .

فریادها و عرایض زحمتکشان کنگ در مورد اعتراض بر بند مذکور جایی را نگرفت وولایت‌هرگز حاضر نشد مساعی خودرا ازحمایت زمین های لامزروع ودشتی آن‌ملاک به سوی دهکده ها و مزارع حاصل خیز و وسیع (۱۸) هزار نفوس ولسوالی کنگ تغییر بدهد .

همانبود که موسم آب خیزی فرا رسید و بلدوزر های فرستاده شدهٔ دولت که برای حمایت تمام ولایت نیمروز مؤظف شده بودند وقت خودرا برای اعمار بند به منظور حمایت زمینهای همان فیودال یکه‌تاز صرف کرد ، آب روز بروز بر بند خاکی دهقانان کنگ فشار وارد کرد و عاقبت بتاریخ ۲۲ حمل‌آنرا در یک نقطه شکستاند . دهقانان زحمتکش رخنهٔ وارده را با ایجاد یک حلقهٔ خاکی دیگر احاطه کردند، اما فشار آب فزونی گرفت ودر نتیجه به تاریخ ۲۵ حمل بند خاکی کنگ از هفت نقطه شکست کرد ، آبها در مزارع سرازیر شدند و تقریبا دوصدو پنجاه قریه خورد و متوسط را احاطه کرد ، مردم حاصل‌باخته و خانه خراب به سوی بلندیها وتپه ها پناهنده شدند و روزها رادر انجا به گرسنگی سپری کردند ، بسا از اطفال که قربانی آب شدند و بسا زنانیکه در اثر این مصیبت روی‌تپه ها سقط جنین نمودند .

این حادثه المناک که در شصت سال اخیر بی نظیر می باشد محصول غفلت ، استفاده جویی و اعمال نفوذ مامورین دولت و متنفذین محلی است که مردم زحمتکش اینولایت هرگز آنرا نخواهد بخشود .

نشرات رادیو افغانستان که باآب و تاب کمکهای سره میاشت و موسسات خیریه را نشر می کنند باعث تأثر و انزجار مزید مصیبت رسیدگان گردیده است . حادثهٔ‌غرق شدن ۲۵۰ دهکده و زیر آب رفتن دهها هزار جریب‌زمین های‌زراعتی، غرق شدن، لادرک شدن و تباهی هزاران نفر چگونه ممکن است‌باچند کمپل و چند امپول دوا کدام موسسه خیریه تلافی گردد ؟!

باید حکومت افغانستان دربرابر مصیبت وارده وعظیم‌دهقانان کنگ جدی برخورد می کرد و بزرگترین تلاشها و همه امکانات برای حمایت این زحمتکشان را تدارک میدید .

ما اعتراض شدید خودرا بر حکومت و نوکران فیودال آن وارد کرده و اعلان میداریم که‌این فرو گذاشت را هرگز و هرگز نخواهیم بخشود .

محل امضاء و شصت ۳۴ نفر دهقان ولسوالی کنگ»

اهالی قریه احمدخان بگرامی آب آشامیدنی ندارند

پرچم- ناشر اندیشه‌های دموکراتیک خلق افغانستان!

ما اهالی قریه احمد خان مربوط ولسوالی بگرامی که جمعاًدر حدود ۶۰۰ فامیل و هشت هزار جمعیت هستیم، ازنعمت آب آشامیدنی‌صحی محروم می باشیم . چاه هائی‌را که خودبه‌وسایل دست داشته خویش حفر کرده ایم ، متاسفانه‌همه آب شور برون داده است . فقط یک چاه آب شیرین بفاصلهٔ زیادی دور از قریه واقع است که برای‌همه اهالی زحمتکش منطقه از یکطرف میسرنیست تا آب مورد ضرورت خانواده خود را ازین‌چاه تهیه نمایند واز سوی‌دیگردراثر کثرت‌استفاده از آن، آب چاه‌ملوث میگردد .

با اینوضع مردم مجبورند که از آبهای کثیف و آلوده استفاده نمایند .

باوصف اینکه مردم قریه بارها به مقامات مسؤول ازین‌وضع شکایت ودرخواستها کرده‌اندکه‌حداقل‌یک‌چاه عمیق حفرگردد، ولی‌توجه جدی‌به‌این امر مبذول نگردید ومدتی قبل دراثر شکایات ومراجعات ممتد اهالی، پروژهٔ انکشاف دهات که کار حفر یک‌چاه‌عمیق را شروع کرده‌بود، پس از آنکه کار آن‌تا حدودی پیش رفت، بدون دلیل معطل گردید وهمانطور نیمکاره باقی ماند. همچنین وقتی درمورد تهیه آب آشامیدنی‌قریه از مخازن آب پروژه نساجی بگرامی درخواستی تقدیم گردید،متاسفانه با بی اعتنایی مواجه شد .

موضوع آب آشامیدنی تنها‌یکی‌از صدها‌مشکل‌مردم‌است،مردم‌ده‌ماما‌نند ده‌ها هزار ده دیگر کشور ازهر گونه امکانات‌ووسایل‌تسهیلاتی‌محروم‌اند. ما از شاهراه عمومی تا ده سرک نداریم و راهیکه قبلا وجود داشت آنهم‌با احداث فابریکه نساجی بگرامی مسدود گردید. ما برق نداریم باوصف اینکه حد اقل در کابل برق کافی موجود است و از چندین سال به اینطرف مکرراً درخواست کرده ایم ولی به بهانه های گوناگون ترتیب اثری به‌درخواست ما‌داده نشده است .

اینها مشکلی ازصدها مشکل‌ماست که بحیث مشت نمونه خروار تقدیم گردید و آرزوی ما اینست که در پرچم خلق انعکاس یابد .

(امضاء ونشان شصت جمعی ازاهالی قریه احمدخان)

اتحادیه محصلان ...

از(ص اول)

آنست که از یکسو تا چه حد مؤفق شده میتواند که اکثریت هر چه بیشتر محصلان را جلب کند و طوریکه باید باشد خصلت توده‌ای ودموکراتیک و ملی را کسب‌نماید واز سوی دیگر رهبری آن بدست عناصر ملی و دموکراتیک‌ترقیخواه وطنپرست افتد.

باید متذکر شد که هر گونه اتحادیه ایکه ایجاد گردد حتماًدارای خصلت ملی و دموکراتیک نمیباشد چه بسا ممکن است که خصوصیت‌های ارتجاعی بر آن غلبه نماید. باید توجه کرد: از آنجائیکه محصلان دارای وابستگی های گوناگون طبقاتی اند بنا برین دارای ایدئولوژی های مختلف وگاه متضاد میباشند.

بدینلحاظ گروهی از محصلان که به طبقات حاکم تعلق دارند و یا بآن میگرایند به دفاع از منافع طبقات حاکمه می پردازند و در خدمت طبقات حاکم قرار میگیرند . امکانات زندگی مرفه و مقامات عالیه آینده در اجتماع نیز در تعیین موضع محصلان نقش مهمی راایفا مینماید .

معهذا در وضع کنونی کشور ما که در میان خانواده های مرفه و متوسط الحال اکثریت از خرده بورژوازی میباشد ، اکثریت محصلان نیز متعلق به این بخش جامعه است که اینها بطور عمومی از لحاظ ایدئولوژیک تحت تاثیر ایدئولوژی خرده بورژوازی قرار دارند. از یکسو جنبهٔ مثبت این ایدئولوژی یعنی خصوصیت وطنپرستی و دموکراتیزم آن (باحفظ جنبه های منفی آن) درامر اشتراک توده های و سیعتر محصلان در جنبش مؤثر است واز سوی دیگر شور جوانی ، مصئونیت نسبی و بالاتر از همه آشنائی آنها به علم و دانش موجب میشود که عده‌ئی- صرف نظر از تعلقات طبقاتی خویش- در جنبش ملی و دموکراتیک بطور مؤثر شرکت نمایند، در موضع دفاع ازمنافع وایدئولوژی طبقه کارگر برایند ، از طبقه و ایدئولوژی خود ببرند وایدئولوژی طبقه کار گر را به پذیرند.

بدینجهت در اوضاع و احوال کنونی دراثر مساعدت نسبی‌شرایط عینی و ذهنی افغانستان، نفوذ روز افزون و گیرائی ایدئولوژی مترقی در میان اقشار و محافل روشنفکری کشورما سیاست درست پیشآهنگ آگاه و مترقی طبقه کارگر و به تأسی از سنت مبارزه الهامبخش دانشجوئی در کشور وتأثیر تحولات بین المللی، تعداد کثیری از محصلان در جنبش دموکراتیک و ملی کشور بطور مستقیم و غیر مستقیم تحت‌تأثیرات نیرومند ایدئولوژی طبقه کار گر قرار گرفته اند و عملا رهبری طبقه کار گر و پیشآهنگ آنرا در جنبش پذیرفته اند که نمونهٔ بارز و زندهٔ آنرا میتوان دراشتراک وسیع و آگاهانه محصلان و جوانان در نهضت اخیر اعتصابی کارگری کشور به دفاع از حقوق و منافع کارگران و بخصوص در تجلیل‌روز اول می در دو سال اخیر تحت رهبری نیروهای مترقی مشاهده کرد.

با در نظر گرفتن حقایق بالا باید محصلان کشور مجدانه سعی بعمل آرند که برای ایجاد‌یک‌اتحادیه دارای خصلت ملی و دموکراتیک و حفظ ، بسط و تعمیق این‌خصلت بطور پیگیر مبارزه نمایند، شعارها و هدفهای مبارزه را چه صنفی‌باشد و چه سیاسی طوری تعیین نمایند که تودهٔ هر چه وسیعتر محصلان‌را جلب نماید، متشکل گرداند واتحاد آنانرا در چوکات یک سازمان دموکراتیک دانشجوئی مستحکمتر گرداند. در ینصورت است که یک اتحادیه توده ای محصلان بمثابه حلقه ئی از حلقات اصلی پیوند با مردم ایجاد میگردد که بر طبق شرایط مشخص‌مبارزه‌هم در جهت تحقق خواستهای صنفی خود و هم در راه هدفهای عمومی و دموکراتیک مردم پیکار نماید و جزئی از نهضت عمومی ملی و دموکراتیک جامعه شمرده شود.

تذکر

همین اکنون که پرچم زیر چاپ‌میرود، در پوهنتون، پولی تخنیک، لیسه رحمان‌باباوسایر لیسه‌های‌مرکزاعتصابات ومتینگهائی جریان داردکه ما شرح مفصل آنرا درشمارهٔ آیندهٔ‌پرچم تقدیم میکنیم و همچنان نسبت تراکم مضامین، دنبالهٔ‌مقالهٔ «باید قوانین ضد دموکراتیک ضد خلقی وضدارزشهای دموکراتیک‌قانون اساسی لغو گردد» از نشر درین شماره باز ماند،درشماره آینده‌دنبال می‌شود .